

بانوی جهاد

حجت الاسلام والمسلمین علی خادمی*

قال الله تعالى: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...»^۱

مقدمه

اگر چه معنا و مفهوم برخی واژگان و موضوعاتی که به صورت روزمره در ادبیات گفتاری و نوشتاری ما کاربرد دارند، به صورت کلی و اجمالی برایمان روشن است؛ اما به معنای کامل و دقیق آنها توجه نداریم؛ مانند واژه «جهاد». جهاد از ریشه «جهد» یا «جهد»، به هر گونه تلاشی گفته نمی‌شود؛ بلکه به تلاش همراه با سختی و مشقت اطلاق می‌گردد.^۲

این اصطلاح در قرآن نیز پرکاربرد است؛ به گونه‌ای که ۴۱ بار در آیات مختلف کتاب الهی مطرح شده است؛ چنانکه در سوره مبارکه حج فرموده است: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...»؛ و در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمایید». درباره این آیه شریفه، دو سؤال اساسی مطرح است: معنای حق جهاد چیست؟ راه عمل به آن کدام است؟ در این نوشتار، به دو سؤال فوق پاسخ می‌دهیم.

* دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

۱. حج: ۷۸.

۲. ر.ک: احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۴۸۶.

۱. حق جهاد

برای رسیدن به پاسخ پرسش اول، به گفته مفسران شهیری همچون مرحوم طبرسی رحمته الله علیه و علامه طباطبایی رحمته الله علیه بسنده می‌کنیم. مرحوم طبرسی رحمته الله علیه در مجمع البیان نوشته است: «بیشتر مفسران بر این باورند که مقصود از جهاد در این آیه شریفه، همه طاعات است (لذا به جهاد در میدان جنگ اختصاص ندارد)».^۱

علامه طباطبایی رحمته الله علیه نیز در المیزان نوشته است: «ظاهراً مراد از جهاد در این آیه، معنای عام آن است. مؤید این دیدگاه، آیه آخر سوره عنکبوت است که جهاد را در معنایی غیر از جهاد جنگی به کار برده است: "وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...؛ و آن‌ها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود هدایت‌شان خواهیم کرد"».^۲

بنابراین جهاد، واژه‌ای عام است و به جهاد فیزیکی اختصاص ندارد. برای روشن‌تر شدن گستره معنایی جهاد، اقسام چهارگانه آن را بررسی می‌کنیم.

الف. جهاد کبیر

این تعبیر که تعبیری قرآنی است، در سوره فرقان ذکر شده است: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَاداً كَبِيراً؛ بنابراین از کافران اطاعت مکن و به وسیله آن [قرآن] با آنان جهادی بزرگ بنما».^۳ بر پایه نظرات مفسران عالی‌قدر منظور از جهاد کبیر، جهاد علمی و فرهنگی است؛ زیرا سوره فرقان، سوره‌ای مکی است و در مکه هیچ‌گاه جنگی میان مسلمانان و مشرکان صورت نگرفت.^۴ ضمیر در «به» نیز به قرآن باز می‌گردد.^۵ مفسر شهیر شیعه، علامه طبرسی رحمته الله علیه با تعبیر لطیفی در این باره می‌نویسد: «از این آیه بر می‌آید که بهترین و بزرگ‌ترین جهاد در پیشگاه خدا، جهاد متکلمان است که شبهات دشمنان دین را پاسخ می‌دهند».^۶

منظور از «جهاد تبیین» که مطالبه جدی مقام معظم رهبری حفظه‌الله است، جهاد کبیر یعنی جهادی علمی - فرهنگی است که امروزه با گستردگی روزافزون جنگ رسانه‌ای دشمن، اهمیت و ضرورت آن بیشتر آشکار شده است.

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۵۴.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۴۱۲.

۳. فرقان: ۵۲.

۴. محمد بن عمر فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۴، ص ۴۷۴.

۵. محمدطاهر بن محمد ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۱۹، ص ۷۵.

۶. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۷۳.

ب. جهاد افضل

جهاد افضل، اصطلاحی روایی است که در حدیثی معتبر (موثق) از رسول خدا ﷺ نقل شده است: «إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ؛^۱ به درستی که برترین جهادها، سخن عادلانه نزد حاکم ستمگر است». امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در سخنی مشابه این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يُتْرَكُ بَيْنَ مِنْ أَجْلِ وَلَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ؛^۲ امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک می کند و نه از روزی می کاهد و بهتر از همه این ها، سخن عدل است در برابر حاکم ظالم».

ج. جهاد اکبر

این تعبیر نیز برگرفته از چندین روایت است. در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام این عبارت این گونه استفاده شده است: «وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْجِهَادَ الْأَكْبَرَ جِهَادُ النَّفْسِ فَاشْتَغِلُوا بِجِهَادِ أَنْفُسِكُمْ تَسْعَدُوا؛^۳ بدانید که جهاد اکبر همان مجاهده با نفس است؛ پس به جهاد با نفس همت کنید تا سعادتمند شوید». همچنین در روایت دیگری از حضرت آمده است: «أَوَّلُ مَا تُنْكِرُونَ مِنَ الْجِهَادِ جِهَادُ أَنْفُسِكُمْ؛^۴ نخستین جهادی که آن را انکار می کنید (کنار می نهید)، جهاد با نفس هایتان است». این عبارت در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز به کار رفته است. فضیل بن عیاض از آن حضرت پرسید: «جهاد واجب است یا مستحب؟». امام علیه السلام در پاسخ جهاد را به چهار بخش تقسیم و دو مورد را واجب و دو مورد دیگر را مستحب دانسته و درباره جهاد واجب فرموده است: «فَأَمَّا أَحَدُ الْفَرَضَيْنِ فَمُجَاهَدَةُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ عَنِ مَعْاصِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ وَ مُجَاهَدَةُ الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ فَرَضٌ؛^۵ یکی از دو جهاد واجب، جهاد انسان با نفس خویش برای دوری از گناهان است که از بزرگترین جهادهاست. جهاد دوم که واجب است، جهاد با کفار است».

د. جهاد اصغر

این تعبیر، تعبیر روایی مشهوری است. وقتی مجاهدان از یکی از جنگ ها برگشتند،

۱. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۶۰.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۵۴۲، حکمت ۳۷۴.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۸۰۷.

۴. همان، ص ۲۱۴.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۹.

رسول خدا ﷺ آنان را تکریم کرد و به آنان فرمود: «آفرین بر شما که از میدان نبرد اصغر پیروزمندانه برگشتید».^۱ منظور از «اصغر» در این اصطلاح، صغیر و کوچک نیست و نبرد با دشمن، به هیچ عنوان کوچک و راحت نمی باشد. در واقع این جهاد، مصداق و نمونه‌ای از جهاد اکبر و مبارزه با نفس است و تا مبارز بر نفس خویش چیره نشده باشد، نمی تواند افزون بر دل کندن از زن و فرزند و زندگی، جان خود را کف دست بگیرد و به مقابله فیزیکی با دشمن برود. در طول تاریخ می توان افراد شاخصی را دید که ضمن دارا بودن موقعیت علمی و فرهنگی، اهل جهاد فیزیکی نبودند.^۲ بنابراین راز تعبیر به اصغر درباره این جهاد، کوچک تر بودن آن نسبت به جهاد اکبر از یک زاویه خاص است. مجاهده با نفس از آن جهت که محدود به زمان و مکان خاصی نیست و تا آخرین لحظه عمر لازم است، اکبر از مبارزه با دشمن ظاهری است که در مقطع یا مقاطعی خاص به نبرد با انسان می آید.

نکته دیگر درباره این جهاد، این است که چون جهاد فیزیکی بر زنان لازم نیست، تلاش زن برای استحکام نظام خانواده به عنوان جایگزین برای آن معرفی شده است. در جهان بینی اسلام، زحمات زن در رسیدگی به شوهر و فرزندان و گرم نگه داشتن کانون خانواده، معادل جهاد مردان در میدان نبرد با دشمن است. ماجرای تأمل برانگیزی که جریان مراجعه أسماء بنت یزید انصاری به رسول خدا ﷺ و پاسخ آن حضرت، مبنی بر معادله خوب شوهرداری زنان با جهاد مردان را روایت می کند؛ شاهد روشنی برای این موضوع است.^۳

۲. راه عملی کردن حق جهاد

بهترین راه عملی کردن اقسام گوناگون جهاد، الگوپذیری از اسوه های الهی یعنی انبیا و اولیاست که دو اثر مهم را به دنبال دارد:

- داشتن الگو، سختی های رسیدن به یک فضیلت را آسان می کند؛

- به سبب پیوند عاطفی میان انسان و آن الگوی الهی، رسیدن به آن فضیلت سرعت می گیرد.

از این رو قرآن، بخش هایی از زندگی حدود ۳۰ پیامبر الهی را ذکر کرده است. در سوره انعام پس

۱. همان، ص ۱۲؛ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعَثَ بِسَرِيَّةٍ فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَوِّبْ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ الْجِهَادُ النَّفْسِ».

۲. ماجرای ترسیدن شاعر معروف، حسان بن ثابت در جنگ احزاب و پناه بردنش به قلعه زنان را در صفحه ۴۸۴ از جلد اول أسد الغابة بخوانید.

۳. جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۵۳.

از نام بردن از چند نفر از پیامبران، فرموده است: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ...»^۱ آن‌ها کسانی هستند که خداوند هدایت‌شان کرده است؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن». در زیارت‌نامه‌های حضرات معصومین علیهم‌السلام نیز می‌خوانیم: «وَجَاهِدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»^۲. در میان پیامبران و دیگر اولیای الهی، حضرت صدیقه طاهره علیها‌السلام الگوی بی‌نظیری برای عملیاتی کردن اقسام گوناگون جهاد است؛ زیرا نمونه‌های زیادی از هر چهار نوع جهاد، در زندگانی کوتاه ایشان وجود دارد که برخی از آن‌ها از نظر می‌گذرانیم:

۱. فاطمه علیها‌السلام و جهاد کبیر

نمونه‌های جهاد علمی و فرهنگی در زندگانی کوتاه بانوی بزرگ اسلام بسیار است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف: تعلّم

بانوی بزرگ اسلام ضمن دارا بودن مقام علمی موهبتی الهی، همواره می‌کوشید از شهر علم نبوی بهره‌مند شود؛ چنانکه در روایتی آمده است:

از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چند روزی نگذشته بود که شخصی به خانه فاطمه علیها‌السلام آمد و عرض کرد: «ایا رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چیزی نزد شما یادگار گذاشته است تا مرا از آن بهره‌مند سازی؟». حضرت فاطمه علیها‌السلام به یاد حدیثی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم افتاد و به کنیز خود فرمود: «هَاتِ تِلْكَ الْجَرِيدَةَ؛ آن صفحه نوشته شده را بیاور». کنیز به جستجو پرداخت و آن را نیافت و بازگشت و به حضرت گفت: «آن را نیافتم». حضرت فاطمه علیها‌السلام به او فرمود: «وَيَحْكُ أَطْلُبِيهَا فَإِنَّهَا تَعْدِلُ عِنْدِي حَسَنًا وَحُسَيْنًا؛ وای بر تو! برو آن را پیدا کن؛ زیرا ارزش آن نزد من هم‌طراز ارزش حسن و حسین علیهما‌السلام است». کنیز رفت و به جستجوی دقیق پرداخت و سرانجام آن نوشته را پیدا کرد. حضرت فاطمه علیها‌السلام آن نوشته را برای فرد خواند که در آن چنین نوشته شده بود:

– «لَيْسَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارَةَ بَوَائِقِهِ؛ از مؤمنان نیست آن کسی که همسایه‌اش از آزار او در امان نیست»؛
– «وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِي جَارَةَ؛ و کسی که ایمان به خدا و روز جزا دارد،

۱. انعامک ۹۰.

۲. محمد بن علی صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۲.

به همسایه اش آسیب نمی‌رساند»؛

- «وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكَلِّمْ خَيْرًا أَوْ يَسْكُتْ؛ و کسی که به خدا و روز قیامت اعتقاد دارد، یا سخن نیک می‌گوید و یا سکوت می‌کند»؛

- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْخَيْرَ الْحَلِيمَ الْمُتَعَفِّفَ وَيُبْغِضُ الْفَاحِشَ الضَّيِّنَ السَّالِيَ الْمُلْحِفَ؛ خداوند انسان خیرخواه، بردبار و پاکدامن را دوست دارد و انسان بدزبان و کینه‌توز و بسیار سؤال‌کننده را دشمن دارد»؛

- «إِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ؛ بدان که حیاء از ایمان است و ایمان، موجب ورود به بهشت می‌شود»؛

- «وَإِنَّ الْفُحْشَ مِنَ الْبَدَاءِ وَ الْبَدَاءُ فِي النَّارِ؛ و بدان که ناسزاگویی از بی‌شرمی است و بی‌شرمی، موجب ورود به آتش دوزخ است».^۱

ب: تعلیم

حدود صد حدیثی که حضرت زهرا ع از رسول خدا ص نقل کرده است، نمونه‌ای از تلاش ایشان برای آموزش معارف الهی به جامعه است. احادیث گوناگون دیگری که آن حضرت مستقیماً بیان کرده است، از دیگر جلوه‌های آموزش محسوب می‌شود؛ چنانکه فرموده است: «مَنْ أَضْعَدَ إِلَيَّ اللَّهُ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَرًّا وَ جَلَّ لَهُ أَفْضَلَ مَضْلَحَتِهِ»^۲ کسی که عبادت پاک و خالص خود را به بالا بفرستد، خداوند بهترین مصالحش را بر او نازل می‌کند».

دعاهای متعددی همچون تعقیباتی که از آن بانو نقل شده است، منبع بی‌نظیری برای آشنا کردن مردم با نیازهای اخلاقی اجتماعی به شمار می‌آید؛^۳ از جمله دعای مشهور به دعای جامعه.^۴ محورهای هفتگانه خطبه آن حضرت نیز کلاس دیگری از دانشگاه آموزشی حضرت فاطمه ع است: توحید، نبوت عامه، قرآن، اسرار احکام الهی، نبوت خاصه، نفاق و منافقان، کودتای سقیفه.

صبر و حوصله حضرت صدیقه طاهره ع در برابر سؤالات زیاد بانوی پرسشگر، نمونه دیگری از

۱. محمد بن جریر طبری شیعی، دلائل الإمامه، ص ۶۵؛ ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۷.

۲. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۰۸.

۳. ر.ک: معهد باقر العلوم ع، موسوعة کلمات فاطمة الزهراء ع، ص ۵۹۷ به بعد.

۴. ر.ک: علی بن موسی ابن طاووس، مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۱۴۱؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۴۰۶.

زحمات آن حضرت در عرصه جهاد کبیر به شمار می‌رود.^۱

۲. فاطمه علیها السلام و جهاد افضل

تنها یادگار رسول خدا صلی الله علیه و آله که در غم جانکاه رحلت پدر بود، جهاد افضل و ایستادن در برابر ظالمان را به گونه‌ای بی نظیر به نمایش گذاشت و در این راه، خود و فرزندش را نیز فدا کرد. بانوی هجده ساله، در برابر خلیفه شصت ساله با شجاعتی شگفت‌انگیز فرمود:

يَا ابْنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَ لَا أَرِثَ أَبِي لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا
فَدُونَكهَا مَوْحُوْلَةٌ مَحْطُوْمَةٌ تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ وَ تَشْرِكُ فَنِعْمَ الْحَكْمُ اللَّهُ وَ الْعَرِيْمُ مُحَمَّدٌ
وَ الْمُوعِدُ الْقِيَامَةُ وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَحْسُرُ الْمُبْطِلُونَ؛^۲ ای فرزند ابي قحافه! آیا در قرآن است
که تو از پدرت ارث ببری، ولی من از پدرم ارث نبرم؟ چه سخن ناروایی گفתי! (حال که
چنین است) پس بگیر آن (ارث من) را که همچون مرکب آماده و مهار شده، آماده
بهربرداری است؛ ولی بدان در قیامت تو را دیدار و بازخواست می‌کنیم و در آن روز، داور
خدا و مدعی تو محمد صلی الله علیه و آله و موعِدِ داورى، رستاخیز است و در آن روز، باطلان زیان
خواهند دید.

خطبه در مسجد نبوی، تنها میدان جهاد افضل حضرت فاطمه علیها السلام نبود. آن حضرت در جمع
زنان مدینه نیز دست به مقابله با ظلم و ظالم زد و فرمود:

وَيَحْتَمُّمُ أُمَّتِي رَحْزُحُوْهَا عَنْ رَوَاسِي الرِّسَالَةِ وَ قَوَاعِدِ التَّنْبُوَّةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ الْأَمِينِ وَ
الطَّيْبِينَ بِأَقْرَبِ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ؛^۳ وای به حال‌شان! چگونه
خلافت را جابه‌جا کردند و آن را از بنیان استوار کوه‌های ثابت خاندان رسالت، برگردانیده و
دور ساختند و از پایه‌های استوار نبوت و منزلگاه وحی و جبرئیل امین جدا کردند و آن کس
(علی علیه السلام) را که در امر دنیا و دین متخصص بود، کنار زدند و از حقش محروم نمودند؟!
آگاه باشید این کار زبانی است آشکار.

سخنان زهرای مرضیه علیها السلام با ام‌سلمه^۴ و محمود بن لبید^۵ و رفتن شبانه به در خانه انصار^۶ نیز در

۱. ر.ک: محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳.

۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۰۲.

۳. محمد بن علی صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۵۵.

۴. ر.ک: محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۰۵.

۵. ر.ک: علی بن محمد خزاز قمی، کفایة الأثر، ص ۱۹۹.

۶. ر.ک: عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۱۳.

راستای ظلم‌ستیزی آن بزرگ بانوی عالم بود. چه زیبا گفت شاعر: «ذوالفقار علی علیه السلام و تیغ زبان تو یکی است».

۳. فاطمه علیها السلام و جهاد اکبر

زهرای مرضیه علیها السلام که در سنین جوانی و اوج نیازهای مادی و علایق بشری قرار داشت، در مقاطع گوناگون به گونه‌ای با نفس خود مخالفت کرد که تاریخ نمی‌تواند به سادگی از کنار آن عبور کند. ایثار همه در آمد فدک، جلوه روشنی از جهاد اکبر فاطمه علیها السلام است. حداقل در آمد فدک را که دو سال در اختیار آن بانو بود، ۲۴ هزار دینار نقل کرده‌اند.^۱ در ماجرای معروف شب عروسی که لباس خود را به سائل داد نیز نکته ظریفی است که حاکی از اوج تسلط آن بانو بر نفس خود است:

فاطمه علیها السلام هنگام عروسی، پیراهنی کهنه داشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن تجهیزیه آن حضرت، پیراهنی تازه تهیه نمود تا فاطمه علیها السلام آن را در شب عروسی بپوشد. وقتی فاطمه علیها السلام با لباس نو به منزل علی علیه السلام رسید و مراسم جشن و اطعام پایان یافت و فاطمه علیها السلام و همسرش تنها شدند، فقیری در خانه آمد و اظهار نیاز نمود و گفت: «ای اهل خانه! گرسنه و عریانم! به من غذا داده و لباسی برای پوشیدن به من بدهید». فاطمه علیها السلام از غذای عروسی برای آن فقیر کنار گذاشت و لباس جدید خود را از تن بیرون آورد و همان لباس قدیمی را بر تن کرد و غذا و لباس را به فقیر بخشید. آن‌گاه این آیه را تلاوت کرد: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^۲ به نیکی (کامل) نمی‌رسید، مگر زمانی که از آنچه دوست دارید انفاق کنید».^۳

بانوی بزرگ اسلام می‌توانست همان پیراهن قدیمی را به سائل بدهد، اما ضمن خواندن آیه فوق ایثار کرد و بهترین لباس خود را در راه خدا بخشید!

۴. فاطمه علیها السلام و جهاد اصغر

گفتگویی که در واپسین روزهای حیات زهرای مرضیه علیها السلام با امیر مؤمنان علی علیه السلام صورت گرفت، بیانگر اوج جهاد آن بانو در خوب شوهرداری و حفظ کانون خانواده است:

۱. ر.ک: علی بن موسی ابن طاووس، کشف المحجّة، ص ۱۸۲.

۲. آل عمران: ۹۲.

۳. سید نورالله شوشتری، إحقاق الحق، ج ۳۳، ص ۳۴۶.

فاطمه علیها السلام فرمود: «يَا ابْنَ عَمٍّ! مَا عَاهَدْتَنِي كَاذِبَةً وَلَا خَائِنَةً وَلَا خَالَفُكَ مُنْذُ عَاشَرْتَنِي؛ اى پسرعمو! در طول مدتی که با من زندگی کردی، مرا دروغگو و خائن نیافتی و هرگز با تو مخالفتی نداشتم». امام علی علیه السلام در پاسخ فرمود: «مَعَادَ اللَّهِ أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ أَبُؤُ وَاثْقَى وَاكْرَمُ وَاَشَدُّ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَنْ أُوْبِحَكَ عَدَا بِمُخَالَفَتِي؛ ا پناه بر خدا (که تو با من بدرفتاری کرده باشی). تو خداشناس تر و نیکوکارتر و باتقواتر و شرافتمندتر و خداترس تر از آن هستی که فردا (ی قیامت) نسبت به مخالفت با من، تویبخت کنم».

امیرمؤمنان علی علیه السلام در سخن دیگری اوج رضایت خود از زهرای مرضیه علیها السلام را این گونه بازگو کرده است:

فَوَ اللَّهُ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَيَّ أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصْتُ لِي أَمْرًا وَ لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنْكَشِفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَالْأَحْزَانُ؛^۲ به خداوند سوگند! من هیچ گاه فاطمه علیها السلام را خشمگین و ناراحت نکردم تا از دنیا رحلت کرد. فاطمه علیها السلام هم مرا خشمناک نکرد و از من نافرمانی نمود. هر گاه به چهره فاطمه علیها السلام نگاه می کردم، غم و غصه هایم از بین می رفت.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن اثیر جزری، عزالدین، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل أیطالب علیهم السلام، چاپ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، کشف المحجبة لثمره المهجبة، چاپ اول، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۲ق.
۵. _____، مهج الدعوات و منهج العبادات، چاپ اول، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۶. ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد، التحریر و التنویر، چاپ اول، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.

۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۳.

۷. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، چاپ اول، قم: دفتر تبليغات، ۱۴۰۴ق.
۸. اربلي، على بن عيسى، كشف الغمة في معرفة الأئمة عليه السلام، چاپ اول، تبريز: بني هاشمي، ۱۳۸۱ق.
۹. تميمي آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحكم و درر الكلم، چاپ دوم، قم: دار الكتاب الإسلامي، ۱۴۱۰ق.
۱۰. خزاز قمی، على بن محمد، كفاية الأثر في النصّ على الأئمة الإثني عشر عليه السلام، چاپ اول، قم: بيدار، ۱۴۰۱ق.
۱۱. سيوطی، جلال الدين، الدر المثور في التفسير بالمأثور، چاپ اول، قم: كتابخانه آيت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۱۲. شريف الرضى، محمد بن حسين، نهج البلاغه، تحقيق صبحي صالح، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۳. طباطبائی، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، چاپ دوم، بيروت: الأعلمی، ۱۳۹۰ق.
۱۴. طبري، محمد بن جرير، دلائل الإمامة، چاپ اول، قم: بعثت، ۱۴۱۳ق.
۱۵. صدوق، محمد بن على، من لا يحضره الفقيه، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۱۳ق.
۱۶. _____، معاني الأخبار، چاپ اول، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۳ق.
۱۷. طبرسي، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۸. طبرسي، احمد بن على، الإحتجاج على أهل اللجاج، چاپ اول، مشهد: نشر مرتضى، ۱۴۰۳ق.
۱۹. فتال نيشابورى، محمد بن احمد، روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، چاپ اول، قم: رضى، ۱۳۷۵ش.
۲۰. فخر رازى، محمد بن عمر، مفاتيح الغيب (التفسير الكبير)، چاپ سوم، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۲۰ق.
۲۱. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافي، چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۲۲. مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار، چاپ دوم، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۰۳ق.
۲۳. المرعشى التستري، سيد نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، چاپ اول، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى، ۱۴۰۹ق.

٢٤. معهد باقر العلوم عليه السلام، موسوعة كلمات فاطمة الزهراء عليها السلام، چاپ اول، قم: معهد باقر العلوم عليه السلام، ١٣٩٣ش.

٢٥. مفيد، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، چاپ اول، قم: كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ق.

٢٦. ورام بن أبى فراس، مسعود بن عيسى، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام، چاپ اول، قم: مكتبة فقيه، ١٤١٠ق.